

# گاهنامه شکوه واژه ها



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کیلان

معاونت دانشجویی و فرهنگی

سال دوم / شماره هشتم / ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

\*با شاعران

\*معرفی کتاب رضوی (اثر حمیدرضا شکارسری)

\*معرفی کتاب گزیده اشعار شاعران در رثای حضرت معصومه

\*مروری بر شاعران دوران زندگی امام رضا(ع)

\* دلنوشته رضوی





ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

شماره: هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال: دوم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

# گاهنامه شکوه واژه ها

## شناخت

سخن دبیر:



در گذر تاریخ،  
ادبیات، زبانی  
مشترک، برای  
انسان ها بوده و  
به داشته های  
فرهنگی یک

جامعه، اعتبار و ارزش می دهد.  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی گیلان در  
راستای ارتقا جایگاه ادبیات و ارج نهادن به آن،  
در صدد معرفی و نشر آثار فاخر در این صفحه  
می باشد.

امید آنکه بتوانیم در راستای این هدف وال او  
ارزشمند، قدمی به راستی برداشته و مورد توجه  
شما مخاطبان فرهیخته قرار گیرد.

سپیده ساجدی

دبیر کانون شعر و ادب موسسه  
مدیر مسئول گاهنامه ادبی شکوه واژه ها



۰۱۳-۳۳۴۴۸۹۹۴-۷

www.jdrasht.ac.ir

آدرس: رشت، بلوار لakan، میدان ولایت، مجتمع  
آموزشی و پژوهشی جهاد دانشگاهی گیلان

## معاونت دانشجویی و فرهنگی

صاحب امتیاز

سپیده ساجدی

مدیر مسئول

## زیر نظر شورای سردبیری

سرپرور حمی دانش

## طرح صفحات و کرافیک

## فهرست

۱) باشاعران

صفحه ۱-۵

۲) معرفی کتاب رضوی (اثر حمید رضا شکار سری)

صفحه ۶

صفحه ۷

۳) معرفی کتاب گزیده اشعار شاعران در رثای حضرت معصومه

صفحه ۸-۹

۴) مروری بر شاعران دوران زندگی امام رضا(ع)

صفحه ۱۰

۵) دلنوشته رضوی



ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

## گاهنامه سکوه واژه ها

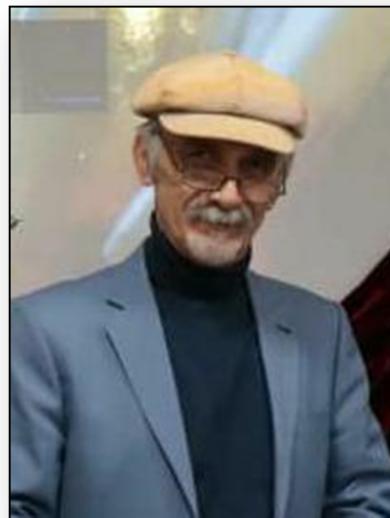
شماره: هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال: دوم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## با شاعران



من آن کبوتر جلدم به آب و دانه‌ی تو  
مخواه آن که شوم دور، از آستانه‌ی تو  
گرفته بال و پرم بوی این حرم؛ باشد  
همیشه بر سر من، لطف بی کرانه‌ی تو  
پناهگاه همه دل شکستگان هستی  
دوای درد همه هست در خزانه‌ی تو  
عجیب نیست اگر حال و روز من خوش نیست  
دل گرفته در این روزها، بهانه‌ی تو  
تو آن امام رئوفی که چشم ما به تو است  
نهاده ایم همه سر به روی شانه‌ی تو  
به پای بوسی تو، زائرت بهشتی شد  
بهشت می رود آری! به پشتونه‌ی تو  
تو آفتاب درخشنان هشتمی ما را  
که آسمان زده بر سینه، این نشانه‌ی تو  
تو آشنا غریبی، تو را نفهمیدیم  
جهان فدای دو چشمان نرگسانه‌ی تو  
بهشت و هر چه در آن است بی تو زیبا نیست  
بهار گوشه‌ی لبخند عاشقانه‌ی تو  
هزار حادثه هر روز در کمین من است  
مخواه آن که شوم دور، از آستانه‌ی تو

نذر صحرای توام؛ بی‌سرنوشتی گمشده  
رهروم؛ نرم و سبک، سوی بهشتی گمشده

نذر صحرای توام آهی دشتی پر ز بیم  
در گریز از خویشتن؛ با سرنوشتی گمشده

کفتری پر بسته‌ام؛ دور از حریم گنبدت  
ناشناس افتاده بازیبا و زشتی گمشده

ضامن آهی بی‌کس! نذر چشمان تو من  
کاش، بارانم! بارانی به کشتی گمشده

آیشی در باغ عشقی- رویشی در باغ جان  
با تو دادم یادگاری از سرشتی گمشده

بر بسیط خاک گم ماندم- کجا یم کیستم؟  
نابسامانی- اسیری- در گُشتی گمشده

اگر که چشم‌هشود چشم

اگر سپیده شود مویم

هنوز از تو نوشتن را

یل است قوت بازویم

کبوتر حرم آقا

که گرد کوی تو می گردم

توبی که ضامن آهوبی

منم که کمتر از آهوبیم

تو از قبیله‌ی بارانی

که بی بهار نمی مانی

منم که سرد و زمستانی

از اشتیاق تو می گویم

اساسنامه‌ی گل‌ها را

در انتشار تو می خوانم

شناسنامه‌ی گل‌ها را

در ازدحام تو می بویم

تو سوژه، سوژه‌ی احساسی

تو عطر خوب گل یاسی

توبی تو لاله‌ی عباسی

که قد کشیده فرارویم

من و کرامت درگاهات

نشسته ام به سر راهت

توبی که ضامن آهوبی

منم که کمتر از آهوبیم

#رسول شریفی

#عباس مهری آتبه

جلیل واقع طلب#



استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

شماره: هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال : دوم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## با شاعران



شاعر شدم تا مادرِ زیباترین شعر جهان باشم  
تصویرِ روایی درون قاب چشمِ دیگران باشم

هر روز من، یک قصه در گوشِ تو نجوا کردم و گفتم  
تا خالقِ صدها صدای تازه در گوشِ زمان باشم

از درد پیچیدم به خود، زخمی که سر وا کرد و خنیدم  
چیزی نگفتم باتو، تا در زندگی ات قهرمان باشم

حتی نفهمیدی چه آمد بر سر رویای دیروزم  
میخواستم مانند رازی کهنه در قلب، نهان باشم

وقتی که خنیدی جهان خنید و من آن روز فهمیدم  
"عشق تو تا اینجا عیان بوده، چه محتاج بیان باشم"

تنها تو، از من جان بخواه و من سرعتظیم\_می گویم  
زیبای من، هر چیز و هر کس توبخواهی، من همان باشم :

مستم اگرچه خسته ام از خم نداشت  
حتی شناسنامه ای از قم نداشت

چون رودخانه ای که به دریا نمی رسد  
محکوم اینچنین به تلاطم نداشت

اگیلان به قم، دوباره به مشهد، همین فقط  
می شد در این مسیر تداوم نداشت؟

دستم به سینه، روز مگر می شود شروع  
پک صحیح با سلام علیکم نداشت

درد است دور بودن و حسرت به دل شدن  
در عرض عشق حق تقدم نداشت

تنها غم به پنجه فولاد وصل شد  
تلخ است تلخ حس تبسم نداشت

خوب است زائرت شدن اما قشنگ نیست  
ادر صحن انقلاب تو گندم نداشت

ای هرچه جاده سوی تو در رفت و آمد است  
هر دل شکسته ای به نگاه تو رو زده است

لبریز غصه ام، دلم اما کنار تو  
در گفتن و نگفتن حرفش مردد است

من شاعرم تحملم اصلا زیاد نیست  
تاب و توان قافیه ها کمتر از حد است

یک عمر هرچه جمع نمودم چه فایده!  
با دست خالی آمده ام پیش تو، بد است

چون کفتران جلد به هر سو اگر روم  
تنها پناهگاه دلم باز گنبد است

خورشید مشرقی و خراسان به یمن تو  
از قرن های دور به نورت زبانزد است

ای گل! به جام زهر لبالب شدی و باز  
قافیه جای "شهد" در این بیت "مشهد" است

#مهساطایری

#صدیقه\_کشتکار

#مرضیه فرمانی



استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

شماره:

هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال : دوم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## با شاعران



رسیده وقت رفتن با سری ناساز برگشته  
تو آغازی و او از نقطه‌ی آغاز برگشته  
و از بس از تو حاجت خواسته نشنیده نه... از شرم  
نگاه شرمسارش لحظه‌ی ابراز برگشته

کسی که بار اول بارگاهت را به دل دیده  
هر آنجای جهان هم رفته باشد باز برگشته

الم نشرح لک صدرک به زائرهات می‌گویند  
که با پای خودش رفته و با پرواز برگشته

هزاران سال پیش بوده و ساعت کم آورده  
برای درد دل... تا معنی "ایجاز" برگشته

امیان خیل مشتاقان و بیماران چه‌ها دیده؟  
که سمت تو یهودی و مغ و مرتاض برگشته

به قدری دل هوایی کن شده نقاره‌های تو  
که زاهد آمده اما کبوتر باز برگشته

#

پکی کنج حرم میخواند: آدم ای شاه پناهم بد  
به بی وزنی رسیده سمت این آواز برگشته

محمد رضا میرزا زاده #

در کنار تو هرچه خوشبختی سنت  
سمت این سرنوشت می‌اید  
تویی صحن تو اخر پاییز  
عطرا دیبهشت می‌اید

از حرم پا گذاشت بیرون  
عطرا نارنج تازه می‌امد  
سوی صحت دم غروب این بار  
کاسبی از مغازه می‌امد

تویی دستش دومشت گندم بود  
تویی چشمش دو ابر پر باران  
گریه می‌کرد و زیر لب می‌گفت  
سلام علیک یاسلطان

سلام علیک یا خورشید  
خاک باران نخورد میخواهی؟  
سر که قابل ندارد آقاجان  
عاشق سر سپرده میخواهی؟

بر سر زلف رشته‌ی تسییح  
دانه‌ی زرد شاه مقصود  
عقابت میرسم به دریافت  
قطره‌ای در مسیر یک رودم

من همان مادرم که در باران  
گوشه‌ی چادرم کمی گلی است  
بهترین جا برای من تنها  
سر در بست حر عاملی است

من همان کودکم که میترسم  
در شلوغی بی افتم از پایم  
به ضریح تو میزنم هربار  
بوسه از روی دوش بابایم

روی بال فرشته‌های حرم  
سمت صحن عتیق میرفتم  
گوشه‌ی صحن جامع رضوی  
من به خوابی عمیق میرفتم

خواب دیدم که خدمت شده ام  
در هیاهوی صحن گوهرشاد  
مثل طفی دخیل میبنم  
بار دیگر به پنجه فولاد

محمدصادق باقی زاده #

شعر خوب است که در خدمت سلطان باشد  
و چه زیبایست که توصیف خراسان باشد

میرسم بعد سلامی به در هشت بهشت  
پیش روی من اگر هفت بیابان باشد

پا بر هنر و سط صحن نشستن ، رفتن  
و چه زیبایست اگر نم نم باران باشد

هر کسی از تو یکی خواست دوتا با خود برد  
کرم صاحب این خانه دو چندان باشد

مهربانی کن و این بار در آغوشم گیر  
که در آغوش تو صد معجزه پنهان باشد

شعر گفتم که به پابوسیت اقرار کنم  
شاعر خوب برای تو فراوان باشد

پرچم گبید تو کار مرا آسان کرد  
هر که دنبال نجات است پریشان باشد

بگذارید به ساحل بر ساند مارا  
که غریقیم اگر معركه طوفان باشد

# مجتبی حاذق



استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

# گاهنامه سکوه واژه ها

شماره: هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال : دوم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## با شاعران



رباعی رضوی

(۱) با تابش نور ، از خدا می‌گوید  
هر ذره‌ی آن جدا جدا می‌گوید

خورشید به هنگام طلوعش هر صبح  
در گوش جهان رضا رضا می‌گوید

(۲) روح به امید کرمت پر میزد  
در حول حریم قدمت پر میزد

یک جفت کبوتر از نگاهم آقا  
هنگام اذان در حرمت پر می‌زد

(۳) سجاده و مُهر و سُرمهدان را آورد  
یک بسته نبات و زعفران را آورد

عطر حرم و گلاب سرمست کرد  
تานام امام مهربان را آورد

#نیره جهانبین



رباعی رضوی

(۱) ماییم و نگاه مضطرب ساعت هشت  
با دلبره‌ی مکرر ساعت هشت

با یاد ضربی و پنجره فولادش  
هر روز قرارمان سر ساعت هشت

(۲) دلداده‌ی صحن تو همه شب بو ها  
دلبسته‌ی انگیین تو کندو ها

تا ضامن ما توبی نگردد کوتاه  
از دامن تو دست من و آهو ها

(۳) در ظلمت شب ماه فرود آمده است  
آینه‌ی هر چه هست و بود آمده است  
در دامن نجمه با طلوع خورشید  
یک دشت ستاره در سجود آمده است

#لیلا عبدی



استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

شماره:

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال : دوم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## با شاعران



۱. در مدرسه و کلاس آموخته ایم  
بی واهمه و هراس آموخته ایم

جای عدد هشت نوشتم رضا «ع»  
ما درس بر این اساس آموخته ایم

۲. ماقطره‌ی کوچکیم در پای تو غرق  
رودیم ولی درون دریای تو غرق

از گنبدت آنقدر طلا ریخته که  
خورشید شده است در تماشای تو غرق

۳. سیاره و ماه ناگهان خلق شود  
تاریکی محض بعداز آن خلق شود

تصمیم بر این بود پس از خلقت تو  
خورشید برای آسمان خلق شود

۴. زایر همه حاجت از خدا می‌گیرد  
از دست تو دم به دم شفا می‌گیرد

آقا تو طبیب دردهای همه ای  
هر کس به تو می‌رسد شفا می‌گیرد

#بهرام مژده



(۱)  
فریاد مرا شنید ، همگام شد  
چون ماه نشسته بر سر بام شد

این ها همه از برکت این سنت عزیز  
وقتی که "رضایا" تکه ای از نام شد

(۲)  
توی حرم بهاری ات من باشم؟  
در مرقد نقره کاری ات من باشم؟

ای کاش طلب کنی مرا آقا جان  
تا خادم افتخاری ات من باشم

(۳)  
من موقع برگشت دلم می‌گیرد  
وقتی برسم رشت دلم می‌گیرد

اینها همه هیچ تازه فهمیدم که  
روی عدد هشت دلم می‌گیرد

(۴)  
من، خاطره‌ها، سفر، حرم، باید را...  
خلوت ، من و تو ، پنجه فولادت را...

دیشب وسط خواب دوباره دیدم  
گلستانه ، نقاره، شب میلادت را...

امیر رضا ستایش صومعه سرائی



ویژه نامه ولادت امام رضا(ع) شماره: هشتم سال : دوم ۱۴۰۰/۰۴/۰۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

# گاهنامه سکوه واژه ها

## معرفی کتاب

### کتاب رضوی (اثر حمیدرضا شکارسری)

آسمان زیر ابرها

مجموعه شعر "آسمان زیر ابرها" اثر خواندنی و ماندگار از حمید رضا شکارسری که انتشارات قدس رضوی چاپ و روانه بazar نشود است.

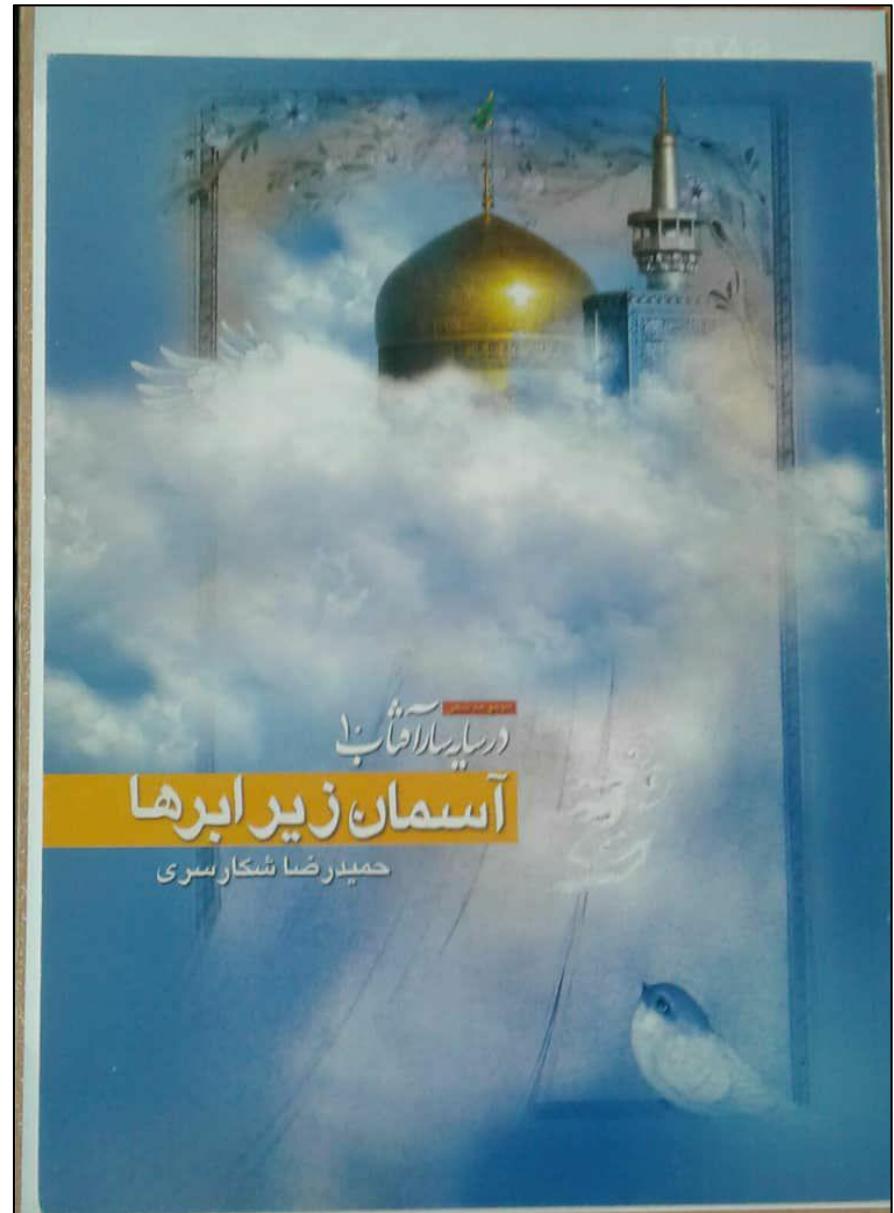
شکارسری این شاعر نام آشنای معاصر به جای مقدمه این گونه نوشته :

من با همه‌ی "ایسم" ها سلام و علیک دارم ،  
اما سبک من در این شعر ها فقط  
رضای "رضا" است .

در این مجموعه شاعر ۵۰ شعر سپید را به گزینش نشسته است و به تعبیری که در اشاره پیش روی ما قرار دارد مجموعه حاضر فصل نو از زیارت های شاعران است که کبوتران واژه، گرد آستان قدس حضرت شمس الشموس طوف را جلوه ای دوباره بخشیده اند ....

در تمام شعرهای "آسمان زیر ابرها" شاعر با زبانی تازه، ساده و صمیمی با امام رضا (ع) در دل می کند و کلید واژه های زیارت، مشهد، ضریح، غربت و ...

همه نشان می دهد شکارسری نگاه ویژه و خاصی به شعر امروزی و مدرن دارد و می خواهد در سایه سار غربت هستی خاطره های ضریح را به باز خوانی بنشیند.



چند شعر از این مجموعه را باهم می خوانیم و برای شکارسری این شاعر آینی بہترین ها را آرزو می کنیم :

۴) من تا به حال بهار "مشهد" را ندیده ام  
اما  
هر وقت امده ام  
بهار بوده است  
مثل همین امروز  
با همین برف تازه ای که نشسته بر گند طلا ..

۳) با ریسمانی  
به پنجره‌ی فولاد  
وصل می شوم  
دل مرده ام را  
کنار دلها و چشم های شکسته  
می خوابانم

۲) نه بلیط هوایپما می خواهد  
نه قطار و اتوبوس  
باد هم که نباشد  
پرنده‌ی سلام من  
ناگهان  
بر آبی گوهر شاد  
روبه روی تو نشسته است

۱) غروب بود  
که خورشید را جا گذاشتیم  
و پریدیم  
این ماه مهربان  
اما  
دلداری مان می دهد  
در طول پرواز مشهد\_تهران.....



استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)

شماره:

هشتم

۱۴۰۰/۰۴/۰۱

سال : دوم

# گاهنامه سکوه واژه ها

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## معرفی کتاب

### معرفی کتاب گزیده اشعار شاعران در رثای حضرت معصومه

کتاب عمه سادات سلام علیک

نام کتاب: گزیده اشعار شاعران اهل بیت در مدح و رثای حضرت معصومه (ع)

نویسنده: علیرضا سبحانی نسب

ناشر چاپی: نشر جمال

سال انتشار: ۱۳۸۸

سرودن شعر در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام افتخار والایی است که از گنجینه قدس به انسان‌ها هدیه می‌گردد. ذوق شعری، می‌تواند انسان را تا اعلی درجات بهشت رهنمون گردد؛ به شرط آن که از این نعمت الهی در راه گسترش معارف الهی و محبت اهل بیت علیهم السلام و معرفی آنان به بشریت استفاده شود و گوهر «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتٌ شِعْرٌ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» در هنر شاعر جلوه نماید. ستایشگران اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای نزد پیشوایان دین ما داشته‌اند که این مقدمه جای پرداختن به این مهم نیست و گرنۀ سخنان و رفتارهای آموزنده اهل بیت علیهم السلام برای تجلیل از شاعران و ستایشگران خاندان پیامبر علیهم السلام مثال زدنی و بسیار شیرین است. در همین راستا این نوشتار برای ترویج اشعار ولایی پیرامون حضرت معصومه علیها السلام تدوین گردیده است.



قطاب

سروده مرحوم آقاسی برای حضرت معصومه (سلام الله عليهما)



مرغ دلم راهی قم می شود	عمه سادات، سلام علیک
در حرم امن تو گم می شود	روح عبادات، سلام علیک
عمه سادات، سلام علیک	کوثر نوری، به کویر قمی
روح عبادات، سلام علیک	آب حیات دل این مردمی
کوثر نوری، به کویر قمی	عمه سادات، بگو کیستی؟
آب حیات دل این مردمی	فاطمه یا زینب ثانیستی
عمه سادات، بگو کیستی؟	از سفر کرب و بلا آمدی
فاطمه یا زینب ثانیستی	یا که به دیدار رضا آمدی
از سفر کرب و بلا آمدی	من چه کنم شعله داغ تو را
یا که به دیدار رضا آمدی	درد و غم شاه چراغ تو را
من چه کنم شعله داغ تو را	کاش شبی مست حضورم کنی
درد و غم شاه چراغ تو را	با خبر از وقت ظهورم کنی
کاش شبی مست حضورم کنی	مرغ دلم راهی قم می شود
با خبر از وقت ظهورم کنی	در حرم امن تو گم می شود



ویژه نامه ولادت امام رضا(ع) شماره: هشتم سال : دوم ۱۴۰۰/۰۴/۰۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

# کاہنامه سکوه واژه ها

## معرفی کتاب

### مروری بر شاعران دوران زندگی امام رضا (ع)

مروری بر شاعران دوران زندگانی امام رضا (ع)

گردآوری : مرتضی حیدرزاده

#### مقدمه

در حکومت پادشاهان، شاعران از جایگاه ویژه برخوردار بوده اند و در راستای نوع علاقه مندی حاکمان شعر می سروده اند. اشعار گاه در مدح و گاه در بیان رزم آوری و شجاعت حاکمان سروده می شد، آثار عاشقانه ها نیز خوانده و مورد توجه قرار می گرفت و اگر موجب رضایتمندی می بود و صله ای و سکه ای هم نصیب شاعران. گونه ای نوع شاعران را می توان در دو بخش تقسیم نمود یک شاعرانی که با استفاده از توانمندی خود کاسبی می کردند و دل حاکم را به دست می آوردن و شاعرانی دیگر که تن به دربار و مدح شاهان نمی دانند که بالطبع دچار مصائب و سختی نیز می شدند، شاید بتوان رنج فردوسی شاعر شهیر پارسی را یادآور شد.

البته، بوده‌اند حاکمانی که خود دستی بر آتش داشته اند و به مقوله‌ی فرهنگ بیشتر بها می داده اند و به شاعران و دانشمندان احترام می گذارند. در دوران امویان و عباسیان نیز اغلب شاعران ستایشگر حکام اموی و عباسی بودند و در مقابل دسته ای اندک را می بینیم که نه بیم جان داشتند و نه امید نان، آنها گروه کوچکی هستند که در تاریخ ادبیات بنام شاعران شیعی مشهور گشته اند که بنام ترین آنها، کمیت بن زیاد اسدی و دیگر شاعرانی همچون دعل خزاعی می بود.

#### دعل خزاعی

دعل خزاعی کوفی، شاعری بلیغ، سخنوری ادیب و دانشمندی والامقام بوده که عمر خود را در مدیحه‌سرایی و ذکر فضائل اهل بیت سپری کرده است. پدرش رزین خزاعی بود، جد او از صحابی پیامبر بود، که به همراه قبیله خزاعه در صفين، با معاویه جنگید و با سه برادرش در این جنگ به شهادت رسید. خاندانش از بیوتات قدیم شیعه و راوی حدیث و شاعر و برادرش علی و پسر عمومیش (ابوالشی) همگی شاعر بودند. دعل برخلاف بیشتر شاعران، شخصیتی شجاع و منيعالطبع داشته که چون می خواسته در هجو کسی شعری گوید، از مقام او باکی نداشته؛ چنان که رشید و مامون. معتصم و واثق و دیگران را هجو کرد و سرانجام به دست معتصم به قتل رسید و چون کسی را به شعر خویش مدح و ستایش می کرد از خفقان روزگار واهمهای نداشت، چنان مدايح او درباره اهل بیت، آن هم در حکومت بنی عباس بزرگترین گواه بر این مدعاست. از جمله قصاید دعل، قصیده مشهور(( مدارس آیات )) است که در مدح حضرت رضا(ع) سروده است که مشتمل بر حدود صد و بیست بیت است. موطن اصلی او کوفه بود. دوران کودکی و نوجوانی را در کوفه و بصره گذراند و بعد به بغداد که « صریح الغوانی » رفت و مشغول تحصیل علم شد. شعر و ادب عربی را از مسلم بن ولید انصاری ملقب به شاعر هارون الرشید و برامکه بود، فرا گرفت و از همان جوانی به سروden شعر پرداخت . بخشی از قصیده معروف دعل خزاعی را مرور می کنیم.

و محکمه بالزور و الشبهات

و هم نقضوا عهدالكتاب و فرضه

بدعوى ضلال من هن وهنات

و لا تك الامحنه كشفتهم

وردت اجاجاً طعم كل فرات

زرايا ارتنا خضره الافق حمرة

لرمت بمامون على العثرات

ولو قلدوا الموصى اليه امورها

الحت على الاحشاء بالزفرات

و قبر بطوس يالها من مصيبة

الغم و الكربات يفرج عنا

لى الحشر حتى يبعث الله قائماً

و صلي عليه افضل الصلوات

علي بن موسى ارشد الله امره



# گاهنامه سکوه واژه ها

سال : دوم | ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ | شماره: هشتم | ویژه نامه ولادت امام رضا(ع)



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## معرفی کتاب

مروری بر شاعران دوران زندگی امام رضا (ع)

او زمان چهار امام معصوم (امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد(ع)) را درک کرد و در واقع همزمان با چند خلفای عباسی (مهدی، هادی، هارون، امین، مأمون، معتصم، واثق، متوكل) هم بود. زمانی هم که امام هشتم شیعیان، ولایت‌عهدی مأمون عباسی را قبول کرد و از مدینه به خراسان آمد، دعبدل به همراه ابراهیم بن عباس صولی، شاعر دیگر شیعه، عازم زیارت حضرت رضا شدند. هر دو شاعر در (مرو) نزد حضرت رفتند و قصیده خود را در مرثیه امام حسین و مناقب آن حضرت و سایر بنی هاشم انشا نمودند. قصیده دعبدل که حمامه تاریخ بنی هاشم و منقبت نامه آل علی (ع) بود که مورد توجه امام و اهل بیت آن حضرت و حتی مأمون، خلیفه عباسی قرار گرفت. دعبدل سرانجام در سن ۷۹ سالگی، با عصای دشنه مانند زهرآگین و زخمی نمودن پایش بر اثر جراحت، در گذشت. از این شاعر بزرگ سه اثر یاد شده است. طبقات الشعرا، الواحده فی مناقب العرب و مثالبها، و دیوان اشعار او که ابوبکر صولی در ۰۳۳ ورق جمع آوری نمود. اشعار دعبدل را میتوان از بهترین و عالی ترین نمونه های مدح در ادب عرب دانست. عده ای از بزرگان شیعه مانند علامه مجلسی و سید نعمت الله جزائری شرح کرده‌اند و مضامین آنها در اشعار سایر شاعران شیعه تکرار شده است. از این شاعر بزرگ دو پسر بنام های عبدالله و حسین باقی ماند که حسین، خود شاعری مشهور شد.

## ابونواس

حسن بن هانی مشهور به (ابونواس) شاعر پرآوازه دوران عباسی، بین سال های ۶۰۱-۶۴۷ هجری قمری تا حدود سال ۶۰۱ هجری قمری در اهواز و یا بصره به دنیا آمد. پدرش به روایتی ایرانی بود و در سفری به اهواز با زنی بنام گلبان یا حلبان اهوازی ازدواج می کند. ابونواس، ادیب و شاعر اواخر قرن دوم هجری است. اشعارش در نهایت لطافت، بدیهه گویی، بسیار مشهور و در لغت هم به گفته اعلم بود. علت شهرت ابونواس موهای بلندش بود که بر دوش هایش حرکت می کرد (نواس به معنی حرکت) ابونواس، در کودکی پدرش مرد و مادرش او را به عطاری برد تا کسب و کاری داشته باشد، تا روزی که ا بواسمه والبئه بن حباب؛ شاعر معروف او را در بصره دید و با او آشنا شد که این آشنایی تأثیر زیادی در تکوین شخصیت او داشت.

## شعری در رثای امام هشتم شیعیان

لک فی جوهر الكلام فنون ینثر الدّرّ فی یدی مجتبیه

يل لى انت اوحد النّاس فى كلَّ كلام من المقال بدیه

فعلى ما تركت مدح ابن موسى والخصال الّتى تجمّعن فيه

از شاگردان ابونواس افراد بزرگی چون ابوهفان، محمدبن ادریس شافعی، احمدبن حنبل و محمدم بن جعفر عنذریه، را گفته اند. این شاعر برای گذراندن زندگی، روز کار می کرده و شب ها در مجالس مختلف علمی در بصره شرکت می کرد. ابونواس با خلف احمر، شاعر بزرگ مأنوس شد. او نیز این شاعر را بسیار دوست داشت و ظاهرا شهرت ابونواس را او برایش انتخاب کرد. ابونواس بعد از اینکه در بصره مشهور شد به بغداد که آن روز مرکز حکومت عباسی (هارون الرشید) بود، رفت. اوایل با اشرف و بزرگان ادب دوست معاشرت کرد و کم کم به دربار هارون، راه پیدا کرد و ندیم و مربی فرزندان او قاسم و امین شد. او هارون را با رها مدح می کرد و گاه هم به خاطر سروده های نازیباش، مورد خشم هارون قرار می گرفت و حتی به زندان هم افتاد تا جائی که در دربار هارون، پایگاهش را از دست داد و بعدها اشعاری برای عذرخواهی سرود. از این رو به ناچار مدت ها از بغداد به مصر رفت. اشعار او مرتب و مدون نبوده و بعد از زمان او، جمعی از ادبی و فضلا، هر کدام موافق رویه مخصوص تدوین کردند. از نخستین افراد، نویسنده سده ۴ قمری (علی بن حمزه اصفهانی) (براگردان) اشعار او بارها به بغداد رفت تا در سال ۲۱۰ قمری به نسخه ای از دیوان او که به دست خاندان نوبختی جمع آوری شده بود، دست یافت که امروز از مهم ترین شرح های ابونواس است. ابونواس با شاعران و دانشمندان بزرگی معاصر بود و معاشرت داشت. او با ابوالعتاهیه و ابن منذر دو شاعر معروف روابط دوستانه داشت و با ابوالشیص، حسین بن ضحاک، دعبدل خزاعی، ابوخالد فارسی و مسلم بن ولید معاشرت می کرد. او حدود سال های ۶۷۱ تا ۲۳۳ هجری قمری، در بغداد از دنیا رفت و در مقبره شونیزیه یا تل یهود در کنار نهر عیسی مدفون است.

## منابع

۱- نقش بندی، الدینار الاسلامی، ص ۳۲

۲- آقابرگ طهرانی ابن بابویه عيون اخبار الرضا چاپ مهدی حسینی لاجوردی قم ۱۳۶۳ ش

۳- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۲۶، ح ۵. از عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۴- ابن بابویه ج ۲ ص ۲۶۳-۲۶۴



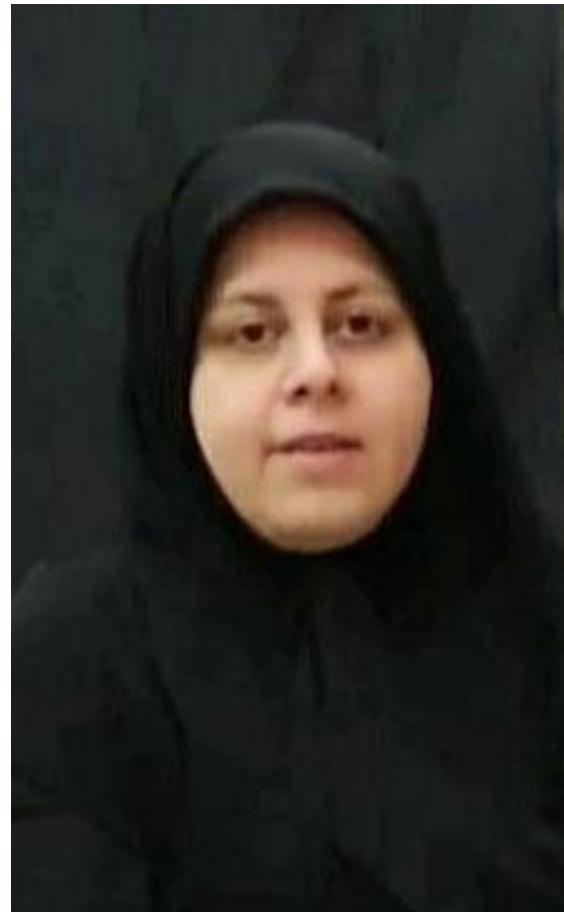
استان گیلان

ویژه نامه ولادت امام رضا(ع) شماره: هشتم سال: دوم ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

# کاہنامه سکوه واژه ها

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد گیلان

## دلنوشه رضوی



ابر های چشم انداز شروع به باریدن می کند و ساقه های التماس از لب ایام جوانه می زند. هر عابری این باران ها را می شناسد اینجا زمزمه تمام لب ها یا رضاست.

اینجا همه آهو می شوند تا ضامن شان شوی.

امام غریبان! اینجا هر کسی اگر چه آشنایی اما غریب کوی توست. به باب الجود که نزدیک می شوم قسمت می دهم به جان دردانه ای دانم که نامش شفیع ام می شود.

دست هایم که به شبکه های پنجره فولاد گره می خورد دلم می خواهد اینجا آخرین جای دنیا باشد آنقدر آنجا بمانم که همانجا جان بدhem.

شب که می شود گبدهتان دو چندان می درخشد، دلم می خواهد پرنده شوم پرواز کنم تا بلندترین نقطه گبدهتان تا آن بالای بالا، انگار آنجا هم به خدا نزدیکترم و همه شما.

آقا جان با اجازه از راه دور می گوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى





موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کیلان

معاونت دانشجویی و فرهنگی

